

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال هشتم، شماره بیست و نهم، زمستان ۱۳۹۴

ص ص ۷۳-۵۷

بررسی جامعه‌شناختی میزان مشارکت مدنی و عوامل مرتبط با

آن در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

نیما جوادزاده^۱

دکتر حسین بنی‌فاطمه^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۴/۳۱

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۷/۲۳

چکیده

هدف از انجام تحقیق حاضر بررسی عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با میزان مشارکت مدنی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز تشکیل می‌دهند. نمونه آماری مشتمل بر ۴۰۰ نفر می‌باشد که از طریق جدول نمونه‌گیری مورگان به دست آمده است. روش نمونه‌گیری تحقیق به صورت طبقه‌ای تصادفی بوده است و داده‌ها توسط نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. طبق نتایج تحقیق میزان مشارکت مدنی در سطح متوسطی قرار دارد. ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین اعتماد اجتماعی، مشارکت سیاسی، انسجام اجتماعی، دستیابی به سود و منفعت شخصی و احساس بی‌قدرتی اجتماعی با مشارکت مدنی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره هم نشان داد که متغیرهای اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی بیشترین اثر را بر تغییرات متغیر میزان مشارکت مدنی داشته‌اند.

واژگان کلیدی: مشارکت مدنی، اعتماد اجتماعی، مشارکت سیاسی، بی‌قدرتی اجتماعی و استفاده از رسانه.

مقدمه

پدیده مشارکت^۳، نخستین رفتار اجتماعی است که از انسان سر زده است (عیوضی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۴). بحث از مشارکت را می‌توان با این اصل بدیهی آغاز کرد که هر نوع تجربه تاریخی دموکراسی با حضور و مداخله افراد، گروه‌ها و نهادهای مدنی مختلف و به واسطه عمل به تکلیف شهروندی^۴ شکل

۱. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز - ایران.

۲. استاد دانشگاه گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز - ایران (نویسنده مسئول).

۳. Participation

۴. Citizenship

گرفته است (شیانی، ۱۳۸۹: ۱۵). مشارکت، زیربنای جامعه مدنی است و هیچ‌گاه اهمیت حیاتی خود را برای جامعه‌ای که سودای پیشرفت دارد، از دست نخواهد داد (سروش و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۳). مشارکت، حق انسانی است که به لحاظ غایتی به آزادسازی و اعتماد به خویشتن و از نظر ابزاری، به بسیج و نقش-آفرینی توده‌های انسانی در فرایندهای عملی حیات اجتماعی منجر می‌شود. مشارکت، بخش جوهری و اساسی رشد انسان است. آن، توسعه خود اعتمادی، ابتکار، سربلندی، فعالیت، مسؤلیت‌پذیری و تعاون اجتماعی است (سفیری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۲). امروزه کشورهای مختلف دریافته‌اند که یکی از کارکردها و استراتژی‌های بسیار مناسب برای دستیابی به توسعه پایدار، جلب مشارکت مردم در امور مختلف از جمله امور سیاسی، مدنی، اقتصادی، رفاهی، آموزشی، تربیتی و فرهنگی است (تیمورنژاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶).

مشارکت به ویژه مشارکت مدنی مفهوم گسترده‌ای است که تحقق عینی آن مستلزم انواع فعالیت‌های فردی یا اجتماعی است. فعالیت‌هایی که بر تصمیم‌گیری و راهبردهای دستگاه‌های اجرایی از سطوح پایین (شهرداری، نظام آموزشی و ...) تا سطوح بالاتر (دستگاه‌های عالی و قانون‌گذاری اجرایی و قضایی) تاثیر می‌گذارند (ادریسی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۹). مشارکت مدنی که در معنای وسیع دربردارنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تاثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری مربوط به امور عمومی است در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. به گونه‌ای که تقریباً تمامی راهبردهای مربوط به توسعه، از مشارکت به عنوان عنصر کلیدی یاد می‌کنند (ساروخانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۲). با طرح مقوله توسعه در دهه ۱۹۶۰ واژه مشارکت مفهوم کاربردی وسیعی به خود گرفت. با نگاهی سریع به مفاهیم رشد اقتصاد، توسعه، توسعه اقتصادی - اجتماعی و به ویژه توسعه پایدار ملاحظه می‌شود که مشارکت مفهوم اساسی‌تر به خود گرفته، به نوعی که در توسعه پایدار مشارکت را هدف و وسیله توسعه می‌شمارند. این مفهوم از مشارکت همه ابعاد فعالیت و رفتار انسانی را شامل می‌شود (سرور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۹). تجربه اجرای برنامه‌های توسعه در کشورهای در حال توسعه در طی چند دهه اخیر نشان داده - اند که به دلیل نادیده گرفتن مشارکت واقعی مردم نتوانسته‌اند در عمل به اهداف موردنظر دست یابند. پیامد این عدم موفقیت، توجه اندیشمندان شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی به موضوع مشارکت در معنای عام و مشارکت مدنی در معنای خاص بوده است (سفیری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

در نیم قرن گذشته، جامعه ایران شاهد تغییراتی شگرف و سریع بوده است. مردم آن درس خوانده‌تر، آگاه‌تر و از نظر فنی و علمی متخصص‌تر و کارآمدتر بوده و گرایش آن‌ها به مشارکت مدنی و دخالت در سرنوشت خویش بیشتر است اما مشارکت به ویژه مشارکت مدنی در ایران چه در پرتو تحقیقات انجام شده و چه در آینه آمار رسمی، تصویر مناسبی را به بیننده عرضه نمی‌کند (سروش و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

این مقاله درصدد شناسایی عوامل موثر بر مشارکت مدنی که به عنوان واقعیتی اجتماعی ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد می‌باشد. مشارکت مدنی تابع متغیرهای متفاوتی است که بازشناسی آن‌ها در

فرایند مشارکت و تشخیص سلسله مراتب آن از منظر کارگزاران اجتماعی برای مجریان امور اجتماعی بسیار مهم است. یکی از عواملی که در اکثر تحقیقات گذشته اثرگذار بر میزان مشارکت مدنی شناخته شده سرمایه اجتماعی و ابعاد آن بوده است. همچنین عامل دست‌یابی به سود و منفعت فردی هم در بیشتر نظریات جامعه‌شناسی در این حوزه به ویژه در نظریات پارسونز، آیزن و فیشباين هم تاثیرگذار بر میزان مشارکت شناخته شده‌اند. احساس بی‌قدرتی اجتماعی هم عامل دیگری است که طبق نظریه هانتینگتون بر میزان مشارکت مدنی می‌تواند اثرگذار شناخته شود.

ملاحظه می‌گردد که در دوره جدید مشارکت مدنی در قالب نهادهای مشارکتی مورد توجه سیاست‌گذاران اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار گرفته است. در این خصوص برخی از مراکز به عنوان بسترهایی تلقی شده‌اند که زمینه‌ساز مشارکت در مقیاس‌های گسترده‌تر یعنی در فضای عمومی هستند. مهم‌ترین این بسترها مراکز آموزشی به ویژه محیط‌های دانشگاهی است که به لحاظ علمی زمینه مناسبی را برای شناسایی عوامل و زمینه‌هایی که به تقویت مشارکت می‌انجامد فراهم نموده و مورد توجه صاحب‌نظران علوم اجتماعی به خصوص در شاخه‌های جامعه‌شناسی قرار گرفته است. در جامعه ایران اگر چه فعالیت‌های مشارکتی در قالب تشکلهای و نهادهای دانشگاهی دارای سابقه قابل توجه است و نتایج موثری در جامعه داشته است، لیکن کمتر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

دانشجویان از بعد فرهنگی موفق‌ترین افراد جامعه بومی خودشان هستند که از بین هزاران جوان از عشایر، روستاها و شهرستان‌های مختلف موفق به رسیدن به درجات عالی تحصیلی شده‌اند. اصولاً میزان تحصیلات دانشگاه، تعداد دانشگاه‌ها و دانشگاهیان همواره به عنوان شاخصی برای ارزیابی سطح فرهنگ و توسعه هر مملکتی تلقی می‌شود. همین‌طور دانشجویان مهم‌ترین سرمایه انسانی یک کشور محسوب می‌شوند سرمایه‌ای که شاید ده‌ها سال لازم است هزینه شود تا مجدداً ایجاد شود. با توجه به اهمیت این قشر برای جامعه مشخص می‌شود که مشارکت اینان چه در زمینه‌های اجتماعی و مدنی بلکه در همه‌ی بخش‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌تواند منجر به شکوفایی و گامی در جهت توسعه پایدار یک کشور به حساب آید.

با توجه به آن‌چه در زمینه اهمیت توجه به مشارکت مدنی به عنوان عامل دست‌یابی به توسعه با تاکید بر قشر جوان مخصوصاً دانشجویان ذکر شد، این پژوهش بر آن است تا ضمن اندازه‌گیری میزان مشارکت مدنی دانشجویان، عوامل موثر بر میزان مشارکت مدنی آن‌ها را نیز مورد بررسی قرار دهد. با توجه به موارد مطرح شده سوال کلی این تحقیق عبارت است از این‌که: میزان مشارکت مدنی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهر تبریز چه قدر است؟ و چه عواملی بر این میزان اثرگذارند؟

اهداف تحقیق

هدف کلی

– هدف کلی در این تحقیق عبارت است از: تعیین جامعه‌شناختی میزان مشارکت مدنی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر تبریز.

اهداف اختصاصی

- تعیین رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی به تفکیک ابعاد آن (اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت سیاسی) در بین دانشجویان و میزان مشارکت مدنی
- تعیین رابطه بین میزان دستیابی به سود و منفعت فردی و میزان مشارکت مدنی در بین دانشجویان
- تعیین رابطه بین میزان احساس بی‌قدرتی اجتماعی و میزان مشارکت مدنی در بین دانشجویان
- تعیین رابطه بین میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و میزان مشارکت مدنی در بین دانشجویان
- تعیین تفاوت بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی دانشجویان و میزان مشارکت مدنی در بین آنان
- تعیین تفاوت بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنسیت و وضعیت تاهل) و میزان مشارکت مدنی در بین دانشجویان.

پیشینه تحقیق

دهقان و همکاران (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با نام تبیین مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران باهدف تبیین بخشی از عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان، چگونگی تاثیر و ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و اعتماد دانشجویان با مشارکت آن‌ها را بررسی کردند. به لحاظ ویژگی‌های شخصی، غالب بودن جهت‌گیری‌های عام‌گرایانه، آینده‌گرایی و فقدان بیگانگی اجتماعی در فرد، موجب آمادگی بیشتر در بروز رفتارهای مشارکتی است. این ویژگی‌ها همراه با متغیر اعتماد اجتماعی، زمینه ایجاد مشارکت می‌شوند. این متغیرها در مجموع توان تبیینی بالایی در واریانس متغیر وابسته نداشته‌اند و نهایتاً اینان به این نتیجه رسیدند که به نظر می‌رسد عوامل فرافردی و کلان خارج از دانشگاه باید تاثیر قابل ملاحظه‌ای در میزان و چگونگی مشارکت اجتماعی فرهنگی دانشجویان داشته باشد (دهقان و همکاران، ۱۳۸۴).

سفیری و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی تحت عنوان مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های شهر تهران و عوامل اجتماعی موثر بر آن با جامعه آماری دانشجویان دختر ۲۹-۱۸ سال دانشکده‌های علوم اجتماعی که به صورت پیمایشی انجام شده بود بدین نتیجه رسیدند که مشارکت اجتماعی با متغیرهایی مانند: سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی)، احساس بی‌قدرتی و خودپنداره رابطه

معناداری دارد و بیشترین تاثیر را متغیر اعتماد اجتماعی بر میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان داشته است (سفیری و همکاران، ۱۳۸۸). نوروزی و همکاران (۱۳۸۸) تحقیقی را تحت عنوان مشارکت اجتماعی و عوامل موثر بر آن در بین شهروندان شهر خدابنده انجام دادند. جامعه آماری پژوهش اینان افراد ۶۰-۳۰ سال بود که ۴۰۰ نفر از این تعداد به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شده بودند. یافته‌های پژوهش اینان حاکی از میزان مشارکت اجتماعی متوسط به پایین داشته و همچنین همبستگی معنی‌دار، در سطح اطمینان ۹۹ درصد، بین متغیرهای مستقل سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، محل سکونت، عام‌گرایی، آینده‌نگری، بیگانگی اجتماعی- سیاسی، اعتماد، ساختار خانواده، تعلیم و تربیت، رسانه‌های گروهی، تقدیرگرایی و متغیر وابسته مشارکت اجتماعی وجود داشت (نوروزی و همکاران، ۱۳۸۸).

باب پرایس^۱ (۲۰۰۲) در تحقیقی با عنوان سرمایه اجتماعی و عوامل تاثیرگذار بر مشارکت مدنی با انجام مصاحبه‌های عمیق با ۳۲ نفر از رهبران انجمن‌های داوطلبانه در تگزاس، نتیجه گرفته که علی‌رغم تاکیدات بر نقش فرهنگ و ارزش‌ها در چنین فعالیت‌هایی، متغیرهای اقتصادی در متاثر ساختن درگیری و فعالیت افراد در این انجمن‌ها، اهمیت بسیاری دارد (Price, 2002).

بکر^۲ (۲۰۰۵) در مقاله خود با عنوان عضویت در انجمن‌های داوطلبانه، منابع اجتماعی، شخصیت یا هر دو با تحلیل داده‌های ثانویه به بررسی سهم عوامل جامعه‌شناختی مانند: تحصیلات، درآمد، وابستگی مذهبی و سرمایه اجتماعی و عوامل روان‌شناختی مانند: نوع شخصیت در توضیح فعالیت در انجمن‌های داوطلبانه می‌پردازد و در پایان نتیجه می‌گیرد که عوامل روان‌شناختی در صورتی قادر به تبیین این مساله هستند که تاثیر عوامل جامعه‌شناختی در آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد (Bekkre, 2005).

مارشال^۳ (۲۰۰۴) تحقیقی درباره سازمان‌های محله‌ای، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و تاثیر آن بر مشارکت انجام داده است. مارشال در این تحقیق به همیاری در سطح محله و به عنوان صورت مهمی از مشارکت اجتماعی و عوامل موثر بر این مشارکت اشاره داشته است. او معتقد است که همیاری، نقش حیاتی ترتیبات نهادین را در تشویق شهروندان به مشارکت را دارد. همین طور ساختارها و دستورالعمل‌هایی که جریان اطلاعات بین شهروندان و دولت را تسهیل می‌کند، مشارکت را افزایش می‌دهد. محقق دریافته است که مدیران محلی می‌توانند مشارکت شهروندان را با ایجاد ساختارهای مشارکتی مانند سازمان‌های محله‌ای افزایش دهند. پایگاه اقتصادی- اجتماعی (درآمد، تحصیلات و سوگیری مدنی) با سطح مشارکت رابطه عمیقی دارد. آن‌هایی که پایگاه بالاتری داشته، به منابع بیشتری دسترسی دارند، مهارت‌های بین فردی بهتر و تعاملات اجتماعی بیشتری دارند. به علاوه بین سوگیری مدنی، به خصوص ابعاد خودکارآمدی و اعتماد مشارکت رابطه معناداری وجود دارد (Marchall, 2004).

1. Price

2. Bekkre

3. Marchall

فرضیه‌ها

- بین میزان سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت سیاسی) و میزان مشارکت مدنی در بین دانشجویان رابطه وجود دارد.
- بین میزان دستیابی به سود و منفعت فردی و میزان مشارکت مدنی در بین دانشجویان رابطه وجود دارد.
- بین میزان احساس بی‌قدرتی اجتماعی در بین دانشجویان و میزان مشارکت مدنی رابطه وجود دارد.
- بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و میزان مشارکت مدنی در بین دانشجویان رابطه وجود دارد.
- بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی دانشجویان و میزان مشارکت مدنی آنان تفاوت وجود دارد.
- بین سن و میزان مشارکت مدنی در بین دانشجویان رابطه وجود دارد.
- بین متغیرهای زمینه‌ای جنسیت و میزان مشارکت مدنی در بین دانشجویان تفاوت وجود دارد.
- بین متغیرهای زمینه‌ای وضعیت تاهل و میزان مشارکت مدنی در بین دانشجویان رابطه وجود دارد.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

میزان مشارکت مدنی

مشارکت مدنی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محل زندگی خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا نامستقیم در شکل‌دادن به حیات اجتماعی خود سهیم هستند (علی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

برای سنجش عملیاتی مفهوم مشارکت مدنی، ابتدا از پاسخگویان خواسته شد که عضویت خود را در هر یک از گروه‌ها و انجمن‌ها مشخص کنند که آیا عضو هستند یا نه؟ سپس در صورت عضویت میزان مشارکت خود را مشخص کنند. گویه‌های به کار گرفته شده برای سنجش این مفهوم شامل عضو بودن و مشارکت داشتن در گروه‌های صنفی، گروه‌های علمی، گروه‌های هنری، گروه‌های ورزشی، مراسم و هیات‌های مذهبی، کارهای خیر و عام‌المنفعه، مراسم و جشن‌های ملی و فعالیت‌های زیست‌محیطی بودند که شاخص این مفهوم با ترکیب این گویه‌ها در سطح فاصله‌ای ایجاد شد.

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی از قبیل هنجارها، شبکه‌های اجتماعی و اعتماد متقابل است که همیاری و هماهنگی افراد را برای دستیابی به منافع مشترک، تسهیل می‌کند (پاتنام ۱۹۹۵؛ به نقل از قاسمی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۲۹).

مفهوم سرمایه اجتماعی در این تحقیق در سه بعد (اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت سیاسی) مورد سنجش قرار گرفت. اعتماد اجتماعی در سه سطح اعتماد بین فردی با گویه‌های (قرض دادن پول به دوستان و آشنایان، ضامن شدن برای وام، امانت‌گذارن وسایل خود در نزد دوستان و آشنایان، امیدوار بودن به حمایت دیگران در شرایط سخت و میزان اعتماد به اعضای خانواده، دوستان، اقوام و همسایگان)، اعتماد تعمیم یافته با گویه‌های (نگرش در مورد این که در این زمانه به قول هیچ کس نمی‌توان اعتماد کرد، پای‌بند بودن مردم محله به قول و قرار خود، پای‌بند بودن مردم محله به امانت‌داری، کمک کردن به یک فرد غریبه و میزان اعتماد به معلمان، روحانیون، کارگران، پزشکان، بازاری‌ها، روحانیون، دولتمردان و سیاسیون) و اعتماد نهادی با گویه‌های میزان اعتماد به نهادهای نیروی انتظامی، آموزش و پرورش، سپاه پاسداران، دادگستری، بانک، صدا و سیما و دانشگاه) مورد سنجش قرار گرفت.

بعد مشارکت سیاسی با گویه‌های مشارکت در انتخابات نظام، شرکت در راهپیمایی‌ها، عضویت در احزاب سیاسی، شرکت در بحث‌ها و گفتگوهای سیاسی، عضویت و فعالیت در تشکل‌های سیاسی و پیگیری اخبار و کسب اطلاعات سیاسی از رسانه‌ها مورد سنجش عملیاتی قرار گرفت، به این گونه که ابتدا از پاسخگویان به صورت یک سوال دو گزینه‌ای بلی، نخیر پرسیده شد که آیا فرضاً در انتخابات کشوری شرکت می‌کنند و سپس از پاسخگویان خواسته شد که در صورت شرکت یا عضویت، میزان مشارکت خود را مشخص کنند.

بعد انسجام اجتماعی هم با گویه‌های احساس تعلق به جامعه، ارزش قائل شدن افراد جامعه به فرد، اهل کمک و یاری کردن به دیگران، اهل غیبت و عیب‌جویی بودن، نگر داشتن احترام بزرگ‌تر و ترجیح دادن روابط مبتنی بر محبت بر روابط مبتنی بر پول مورد سنجش عملیاتی قرار گرفت. نهایتاً این که با ترکیب این ابعاد (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی) شاخص مفهوم سرمایه اجتماعی در سطح فاصله‌ای ایجاد شد.

دست‌یابی به سود و منفعت شخصی

منظور از دست‌یابی به سود و منفعت شخصی در این پژوهش این است که مشارکت در یک گروه یا انجمن توسط افراد تا چه حد می‌تواند برای مشارکت‌کنندگان سود و منفعت فردی به دنبال داشته باشد و ارزیابی که توسط افراد از میزان سود و منفعت حاصله از مشارکت به دست می‌آید مورد اهمیت است. برای سنجش عملیاتی این مفهوم از چندین گویه در سطح رتبه‌ای به صورت یک طیف لیکرت شش گزینه‌ای استفاده شد. بدین گونه که از پاسخگویان پرسیده شد که هدف و نیت‌تان از مشارکت در یک گروه عمدتاً شامل چه چیزهایی می‌باشد. این اهداف و نیت‌ها به صورت گویه‌های جداگانه مطرح شد که شامل: ارتقاء درجه خود در آن گروه، به دست آوردن موهبت و ثواب الهی، ساختن وضعیت زندگی بهتر برای خود،

رهایی از تنهایی، کمک به مشکلات اعضا، به دست آوردن قدرت، به دست آوردن دوستان و آشنایان بیشتر و بهتر کردن وضعیت مالی و معیشت خود، می‌باشند. نهایتاً این‌که با جمع نمرات این گویه‌ها شاخص این مفهوم در سطح فاصله‌ای ایجاد شد.

احساس بی‌قدرتی اجتماعی

بی‌قدرتی، اندازه یک احتمال ذهنی در فرد است که او یا جمعی از امثال او از قدرت کافی برای مهار پیامد رویدادهای سیاسی و اقتصادی برخوردار نیست. به عبارتی بی‌قدرتی امید ضعیف برای کنترل رویدادها، فقدان کنترل بر نظام سیاسی، اقتصادی، صنعتی و امور بین‌المللی است (یزدان‌پناه، ۱۳۸۷: ۱۱۷). هم‌چنین می‌توان احساس بی‌قدرتی را حالتی از بیگانگی سیاسی و اجتماعی در فرد دانست که در آن فرد احساس می‌کند توانایی تاثیرگذاری بر جریان امور را ندارد (فاضلی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹).

برای سنجش عملیاتی مفهوم احساس بی‌قدرتی اجتماعی از چندین گویه که به صورت رتبه‌ای طراحی شده بودن استفاده شد. گویه‌ها عبارت بودند از: توانایی برای تغییر شرایط جامعه به شرط خواست خود، احساس توانایی از دارا بودن وسایل لازم برای جلوگیری از افزایش قیمت‌ها، احساس ناتوانی در برخورد با تحولات جهان، نگرش درمورد بی‌فایده بودن بازگ کردن مشکلات به دولت، احساس بیگانگی با حکومت و ساخت سیاسی، احساس عدم توانایی برای مقابله با گروه‌های فشار داخلی و خارجی، احساس عدم توانایی برای تاثیرگذاری در امور سیاسی، نگرش در مورد این‌که اداره‌ی جامعه دست تعداد محدودی از افراد قدرتمند است و از افراد معمولی جامعه کاری ساخته نیست، نگرش در مورد این‌که در جامعه ما زور حاکم است نه قانون، نگرش در مورد این‌که همه مشکلات ما ناشی از سیاست غلط سیاست‌مداران است و نگرش در مورد این‌که اداره تمامی امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور به خواست مردم انجام می‌شود. شاخص این مفهوم هم با جمع مجموع نمرات گویه‌های این متغیر در سطح فاصله‌ای ایجاد شد.

میزان استفاده از رسانه

رسانه وسیله‌ای است که پیام را منتقل می‌کند. رادیو، تلویزیون، مطبوعات، کتاب و سینما وسایلی هستند که پیام را از سازنده به مخاطب منتقل می‌کند و خود رسانه پیام است (نوروزی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۵۹).

در این تحقیق برای سنجش عملیاتی این مفهوم میزان استفاده از رادیو، تلویزیون، روزنامه، شبکه‌های اجتماعی و اینترنت مدنظر بود. بدین‌گونه که از پاسخگویان پرسیده شد که در طول شبانه‌روز چند ساعت را صرف تماشای تلویزیون، شنیدن رادیو، خواندن روزنامه و گشت و گذار در اینترنت و شبکه‌های مختلف اجتماعی می‌کنند.

پایگاه اقتصادی-اجتماعی

منظور از آن عبارت است از: موقعیت اجتماعی و جایگاهی که فرد در گروه یا در مرتبه اجتماعی یک گروه، در مقایسه با گروه‌های دیگر احراز می‌کند. پایگاه و موقعیت اجتماعی فرد حقوق و مزایای شخص را تعیین می‌کند (اوجاقلو و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۱۱).

متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی با استفاده از سه معرف رتبه شغلی، میزان تحصیلات و میزان درآمد پاسخگویان مورد سنجش عملیاتی قرار گرفت و پس از آن با ترکیب این معرف‌ها شاخص آن در سطح فاصله‌ای ایجاد شد.

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، از نظر بعد زمانی از زمره تحقیقات مقطعی است؛ از نظر بعد اجرایی هم این تحقیق از زمره تحقیقات کاربردی است. به طوری که پژوهشگر درصدد آن است که رابطه منطقی بین کار پژوهشی و جامعه پدید آورد. در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع مورد تحقیق، نحوه جمع‌آوری داده‌ها و جامعه آماری مورد تحقیق، از روش پیمایش استفاده شده است.

ابزار اندازه‌گیری، اعتبار و پایایی آن

در این تحقیق، از فن پرسشنامه برای سنجش موضوع مورد مطالعه (متغیر وابسته) و عوامل مرتبط با آن (متغیر مستقل) استفاده شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده بر اساس سطح سنجش متغیرها و بنابر اهداف مورد نظر تحقیق، آماره‌های توصیفی و آزمون‌های استنباطی آماری مناسب بنا به ضرورت استفاده شده است. در سطح توصیفی، به توصیف متغیرها با استفاده از جداول توزیع فراوانی و آماره‌های توصیفی هم‌چون میانگین، واریانس و انحراف معیار پرداخته شده است. در سطح استنباطی، از آزمون‌های آماری t-test مستقل و آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است و تحلیل‌های چندمتغیره هم با استفاده از مدل رگرسیون چندمتغیره توسط نرم‌افزار SPSS صورت گرفته است.

در این پژوهش برای سنجش اعتبار درونی وسیله اندازه‌گیری از اعتبار محتوایی (صوری) استفاده شد. بدین صورت که پس از تنظیم و طراحی گویه‌های لازم برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، پرسشنامه مقدماتی به استاد راهنما ارائه شد و در ادامه محقق با اعمال نمودن نظرات اصلاحی ایشان، تغییرات لازم را برای بالا بردن اعتبار درونی وسیله اندازه‌گیری انجام داد. به طوری که تعدادی از گویه‌ها و سوالات حذف شده و تعدادی دیگر جایگزین شدند و نهایتاً پرسشنامه نهایی تنظیم شد.

برای سنجش هماهنگی درونی بین آیتم‌ها و گویه‌های مختلف یک ابزار تحقیق، تکنیک‌های مختلفی وجود دارد که یکی از مرسوم‌ترین آن‌ها استفاده از ضریب آلفای کرونباخ می‌باشد که در این پژوهش از روش آلفای کرونباخ برای سنجش روایی استفاده شده است. بدین صورت که قبل از مرحله اصلی گردآوری

داده‌ها، تعدادی از پرسشنامه‌ها به تعدادی از افراد نمونه پخش شده (۳۰ نفر) و بعد از جمع‌آوری آن‌ها، پایایی وسیله اندازه‌گیری با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در نرم‌افزار SPSS محاسبه شد. نتایج به دست آمده برای آلفای کرونباخ در جدول شماره (۱) به تفکیک متغیرها قابل رویت است.

جدول شماره (۱): نتایج تحلیل پایایی گویه‌های پرسشنامه

تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ	نوع متغیر	متغیر
۱۰	۰/۸۵	وابسته	مشارکت مدنی
۵	۰/۸۹	مستقل	مشارکت سیاسی
۲۷	۰/۹۰	مستقل	اعتماد اجتماعی
۶	۰/۷۴	مستقل	انسجام اجتماعی
۶	۰/۷۸	مستقل	دستیابی به سود و منفعت فردی
۹	۰/۸۲	مستقل	احساس بی‌قدرتی اجتماعی
۶	۰/۷۳	مستقل	میزان استفاده از رسانه

در جدول شماره (۱) ملاحظه می‌شود که مقدار آلفای کرونباخ تمامی متغیرهای تحقیق بیشتر از ۰/۷ می‌باشد. این نشان‌دهنده آن است که گویه‌های مرتبط با هر متغیر هم‌مسیر بوده و از هماهنگی و پایداری درونی بالایی برخوردارند و نهایتاً این که با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان پایایی ابزار تحقیق را پذیرفت.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

در پژوهش حاضر جامعه آماری، کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۹۵ می‌باشد که به تعداد ۲۶۵۹۱ هستند. محقق این تعداد را با مراجعه به اداره آموزش کل این دانشگاه به دست آورده است. برای برآورد حجم نمونه از جدول نمونه‌گیری مورگان^۱ استفاده شده است. در این جدول N تعداد جامعه آماری و S تعداد نمونه‌ای است که باید متناسب با تعداد جامعه آماری به عنوان نمونه آماری برگزید. با توجه به این که جامعه آماری این پژوهش طبق جدول بیشتر از ۲۰۰۰۰ هزار می‌باشد، لذا ۳۷۹ نفر به عنوان نمونه آماری این تحقیق به دست آمد. اما برای جلوگیری از تاثیر پرسشنامه‌های گم‌شده و مخدوش بر روی نتایج تحقیق نمونه آماری تحقیق به تعداد ۴۰۰ نفر افزایش یافت.

روش نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بود. به طوری که ابتدا نسبت کل دانشجویان هر دانشکده به کل دانشگاه مشخص شده، سپس بر اساس نسبت دانشجویان پسر و دختر به آن دانشکده،

^۱. Morgan

تعدادی رشته به صورت تصادفی از هر دانشکده انتخاب و نمونه‌گیری نهایی از دانشجویان رشته‌های مورد نظر انتخاب شد.

یافته‌ها

از منظر جنسیت، مردها به میزان ۵۴/۷ درصد و زن‌ها ۴۵/۳ نمونه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دادند. از منظر وضعیت تاهل، بیشتر پاسخگویان (۸۶/۱ درصد) دارای وضعیت تاهل مجرد بودند. از منظر میزان تحصیلات، بیشتر پاسخگویان (۷۴/۳) دارای مدرک تحصیلی لیسانس بودند. میزان تحصیلات پدران پاسخگویان بیشتر (۳۱ درصد) در سطح سیکل و میزان تحصیلات مادران پاسخگویان اکثراً (۲۸/۹ درصد) در سطح بی‌سواد بود. میزان درآمد ماهیانه پاسخگویان، بیشتر (۲۷/۲ درصد) در سطح ۵۷۰ هزار تا ۱ میلیون تومان گزارش شد. وضعیت سکونت پاسخگویان هم بدین صورت بود که بیشتر (۷۳/۱ درصد) دارای منزل ملکی بودند و از لحاظ متغیر سن، میانگین سنی پاسخگویان در حدود ۲۲ بود.

مشارکت مدنی: نتایج تحلیل‌های تک متغیره بر روی متغیر وابسته تحقیق نشان می‌دهد که طبق نمره میانگین این متغیر بر روی طیف (۳/۳۳)، میزان مشارکت مدنی در بین پاسخگویان در سطح متوسطی قرار دارد.

مشارکت سیاسی: میانگین حاصله از داده‌های این متغیر با مقدار ۳/۵۴ نشان می‌دهد که میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان در سطح متوسطی می‌باشد.

اعتماد اجتماعی: در رابطه با این متغیر میانگین حاصله با مقدار ۳/۳۷ نشان از این دارد که میزان اعتماد اجتماعی در بین پاسخگویان در سطح متوسطی می‌باشد.

انسجام اجتماعی: طبق نتایج به دست آمده میانگین این متغیر با مقدار ۴/۴۳ نشان از این دارد که میزان انسجام اجتماعی در بین پاسخگویان در سطح بالایی قرار دارد.

سرمایه اجتماعی: میانگین به دست آمده از این متغیر با مقدار ۳/۷۸ نشان از این دارد که میزان سرمایه اجتماعی در بین پاسخگویان در سطح متوسطی قرار دارد.

دستیابی به سود و منفعت شخصی: میانگین به دست آمده از این متغیر با مقدار ۴/۱ حاکی از این است که میزان دستیابی به سود و منفعت شخصی در بین پاسخگویان در سطح بالایی قرار دارد.

احساس بی‌قدرتی اجتماعی: میانگین به دست آمده از این متغیر با مقدار ۴ نشان می‌دهد که میزان بی‌قدرتی اجتماعی در بین پاسخگویان در سطح بالایی قرار دارد.

استفاده از رسانه: میانگین میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی در بین نمونه‌ی آماری حدود ۱۰۶ دقیقه در طول یک شبانه‌روز می‌باشد.

- فرضیه اول: میانگین مشارکت مدنی به تفکیک جنسیت دانشجویان متفاوت است.

یافته‌های این تحقیق با استفاده از آزمون t -test برای سنجش این فرضیه نشان می‌دهد که بین متغیر جنسیت پاسخگویان و میزان مشارکت مدنی تفاوت معناداری وجود دارد به گونه‌ای که میزان مشارکت مدنی در بین مردان بیشتر از زنان می‌باشد. نهایتاً این که فرضیه میانگین مشارکت مدنی به تفکیک جنسیت دانشجویان در این پژوهش تایید می‌شود.

– فرضیه دوم: میانگین مشارکت مدنی به تفکیک وضعیت تاهل دانشجویان متفاوت است.

نتایج به دست آمده از آزمون t -test نشان می‌دهد که میزان مشارکت مدنی برحسب وضعیت تاهل پاسخگویان تفاوت معناداری ندارد، بنابراین رابطه بین وضعیت تاهل و میزان مشارکت مدنی در این پژوهش تایید نمی‌شود.

– فرضیه سوم: میانگین مشارکت مدنی برحسب سن دانشجویان متفاوت است.

نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری بین این دو متغیر در این تحقیق وجود نداشته و این فرضیه در این پژوهش رد می‌شود.

– فرضیه چهارم: بین مشارکت سیاسی با مشارکت مدنی در بین دانشجویان رابطه وجود دارد.

نتایج به دست آمده از رابطه بین مشارکت سیاسی با مشارکت مدنی، نشان داد که رابطه معنی‌داری بین این دو متغیر وجود داشته و جهت رابطه هم مثبت می‌باشد، این بدین معناست که با افزایش میزان مشارکت سیاسی توسط دانشجویان، میزان مشارکت مدنی هم در بین آنان افزایش می‌یابد، بنابراین این فرضیه در این پژوهش تایید شد.

– فرضیه پنجم: بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت مدنی در بین دانشجویان رابطه وجود دارد.

یافته‌های این تحقیق نشان داد که بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت مدنی، رابطه معنی‌داری وجود داشته و جهت رابطه هم مثبت می‌باشد، به این معنی که با افزایش میزان اعتماد اجتماعی در بین پاسخگویان، میزان مشارکت مدنی هم در بین آنان افزایش پیدا می‌کند، لذا این فرضیه در این پژوهش مورد تایید قرار گرفت.

– فرضیه ششم: بین انسجام اجتماعی و میزان مشارکت مدنی در بین دانشجویان رابطه وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای انسجام اجتماعی و میزان مشارکت مدنی حاکی از این است که بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود داشته و جهت رابطه هم مثبت می‌باشد. بدین معنی که با افزایش میزان انسجام اجتماعی در بین پاسخگویان، میزان مشارکت مدنی هم در بین آنان افزایش می‌یابد، پس این فرضیه در این پژوهش تایید شد.

– فرضیه هفتم: بین میزان دستیابی به سود و منفعت شخصی و مشارکت مدنی در بین دانشجویان رابطه وجود دارد.

نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون بین میزان دستیابی به سود و منفعت شخصی و مشارکت مدنی نشان داد که رابطه معنی‌داری بین این دو متغیر وجود داشته و جهت رابطه هم به صورت مثبت می‌باشد. به این معنی که با افزایش میزان دستیابی به سود و منفعت شخصی در بین پاسخگویان، میزان مشارکت مدنی هم در بین آنان افزایش می‌یابد، لذا این فرضیه هم در این پژوهش مورد تایید قرار گرفت.

– فرضیه هشتم: بین میزان احساس بی‌قدرتی اجتماعی و مشارکت مدنی در بین دانشجویان رابطه وجود دارد.

طبق یافته‌های تحقیق از آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای احساس بی‌قدرتی اجتماعی و مشارکت مدنی، نتایج حاکی از این بود که بین این دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود داشته که جهت رابطه هم منفی بود، به این معنی که با افزایش میزان احساس بی‌قدرتی اجتماعی در بین پاسخگویان، میزان مشارکت مدنی در بین آنان کاهش می‌یابد، لذا این فرضیه در این پژوهش مورد تایید قرار گرفت.

– فرضیه نهم: بین میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و مشارکت مدنی در بین دانشجویان رابطه وجود دارد.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون از رابطه بین میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و مشارکت مدنی نشان داد که بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد و این فرضیه در این پژوهش رد شد. – فرضیه دهم: بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانشجویان و میزان مشارکت مدنی رابطه وجود دارد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون از رابطه بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانشجویان و میزان مشارکت مدنی نشان داد که بین این متغیرها رابطه معناداری وجود ندارد و این فرضیه در این پژوهش رد شد.

نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره

در تحلیل رگرسیونی مدل مشارکت مدنی به روش گام به گام، متغیرهای اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی بر اساس ضرایب بتا به ترتیب بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی مشارکت مدنی را دارند. سایر متغیرهای تحقیق از جمله سن، جنس، وضعیت تاهل، انسجام اجتماعی، دستیابی به سود و منفعت شخصی، احساس بی‌قدرتی اجتماعی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و میزان استفاده از رسانه متغیرهایی بودند که شرایط باقی ماندن در مدل را نداشتند و از مدل خارج شدند. مقدار ضریب تعیین یا واریانس برآورد شده متغیرهای حاضر بر روی مشارکت مدنی، ۰/۴۴ می‌باشد که این نتیجه نشان می‌دهد که مجموع متغیرهای مدل توانسته‌اند نزدیک به نیمی از واریانس متغیر مشارکت مدنی را تبیین کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

در هر تحقیقی، هر چند تلاش در جهت اثبات فرضیات و روابط بین متغیرها از مهم‌ترین بخش‌های هر تحقیق است. اما همانند یا مهم‌تر از آن، تلاش برای یافتن دلایل رد فرضیات هم مهم‌ترین بخش یک تحقیق می‌باشد.

فرضیه اولی که بر اساس پیشینه نظری و تجربی مطرح شده بود این بود که بین میزان سرمایه اجتماعی به تفکیک ابعاد آن (اعتماد اجتماعی، مشارکت سیاسی و انسجام اجتماعی) و مشارکت مدنی رابطه وجود دارد. نتایج تحقیق نشان داد که روابط بین ابعاد سرمایه اجتماعی و مشارکت مدنی در این تحقیق معنادار بوده و جهت تمامی روابط مثبت می‌باشد. به لحاظ نظری اینگلهارت معتقد است که سرمایه اجتماعی فرهنگ اعتماد و مدارا است که به مدد آن شبکه‌های گسترده سازمان‌های داوطلبانه رشد می‌یابند. به اعتقاد او شبکه‌ها نتیجه اعتماد مردم به یکدیگرند، نه این که اعتماد محصول جانبی انجمنی شدن مردم باشد. اینگلهارت اعتماد اجتماعی را از عوامل موثر در مشارکت می‌داند زیرا به نظر وی اعتماد رفتارها را قابل پیش‌بینی می‌کند و در نتیجه آن حوزه کنش و تصمیم‌گیری تقویت می‌شود. وی همچنین اعتماد به یکدیگر را شرط تشکیل روابط ثانوی می‌داند که به نوبه خود برای مشارکت سیاسی موثر در هر دموکراسی وسیع لازم است. پاتنام نظریه‌پرداز دیگری است که معتقد است سرمایه اجتماعی نقش به‌سزایی در بروز رفتار مشارکت‌جویانه دارد. سرمایه اجتماعی ناظر بر ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و اعتماد متقابل ناشی از آن‌هاست. پاتنام معتقد است این مشخصه‌ها با تسهیل کنش‌های هماهنگ بر قابلیت جامعه برای ایجاد انواع انجمن‌های داوطلبانه افزوده و با ارتقاء کارکرد جامعه، تشویق افراد را نسبت به همکاری با یکدیگر به دنبال دارد. به اعتقاد وی کسانی که مدت طولانی سرمایه اجتماعی بدست آورده‌اند، می‌توانند برای حل مشکلات، ترتیبات نهادینی ایجاد کنند و همکاری داوطلبانه در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه مشارکت مدنی به ارث برده است، بهتر صورت می‌گیرد. همچنین رابرت پاتنام در نظریه سرمایه اجتماعی خود رابطه بعد اعتماد و مشارکت را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد. وی معتقد است که آن چه باعث میزان بالای مشارکت می‌شود اعتمادی است که در قالب همکاری‌های اجتماعی و تعاونی ایجاد می‌شود. شبکه‌های مشارکت مدنی هنجارهای محکمی از بده و بستان‌های عمومیت یافته را رواج داده، و پیدایش اعتماد اجتماعی را ترغیب کرده و موجب تسهیل همکاری و هماهنگی و ارتباطات و افزایش اعتبار گردیده و از این طریق معضل کنش جمعی را ممکن می‌سازند و همچنین به لحاظ تجربی نتایج تحقیقات پیشین انجام شده توسط دهقان و همکاران (۱۳۸۴)، سفیری و همکاران (۱۳۸۸)، پرایس (۲۰۰۲) و بکر (۲۰۰۵) تاثیر سرمایه اجتماعی به خصوص بعد اعتماد اجتماعی را بر مشارکت مدنی نشان می‌دهند. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که وجود سرمایه اجتماعی در کل به ویژه وجود اعتماد اجتماعی در بین افراد جامعه و وجود فرهنگ

خود مشارکت و انسجام در ارزش‌ها و هنجارهای موجود جامعه می‌تواند نقش بسیار موثری را در ایجاد و افزایش میزان مشارکت مدنی در بین افراد جامعه داشته باشد.

فرضیه دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت این بود که بین میزان دستیابی به سود و منفعت فردی و مشارکت مدنی رابطه وجود دارد. نتایج تحقیق نشان داد که بین میزان دستیابی به سود و منفعت فردی و مشارکت مدنی رابطه‌ی مثبتی وجود دارد. به این معنی که هر چقدر میزان دستیابی به سود و منفعت فردی در گروه‌ها برای افراد بیشتر شود به همان میزان مشارکت مدنی نیز در آن انجمن‌ها و گروه‌ها افزایش می‌یابد. تالکت پارسونز تمایلات نیازی و به ویژه تمایل به کسب پاداش‌های مادی و معنوی را منشأ کنش (مشارکت اجتماعی) به شمار می‌آورد. فیشباین و آیزن هم با مطرح کردن نگرش ابزاری و نگرش احساسی نسبت به مشارکت در گروه‌ها، در واقع تاثیر سود و منفعتی را که مشارکت در یک گروه می‌تواند برای افراد داشته باشد را متذکر می‌شوند. به لحاظ تجربی هم نتایج تحقیق باب‌پرایس (۲۰۰۲) حاکی از این است که متغیرهای اقتصادی تاثیر زیادی را در درگیر ساختن و مشارکت افراد در انجمن‌ها دارد که این نتیجه هم تاییدی است بر این یافته که منافع اقتصادی و فردی نقش بسیار مهمی را در میزان مشارکت مدنی افراد جامعه دارد.

فرضیه دیگر این پژوهش مبنی بر این بود که بین میزان احساس بی‌قدرتی اجتماعی در بین دانشجویان و میزان مشارکت مدنی در بین آن‌ها رابطه وجود دارد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون وجود این رابطه را نشان داد. بدین صورت که هرچه قدر میزان احساس بی‌قدرتی اجتماعی در بین افراد بیشتر شود به همان میزان مشارکت مدنی کاهش می‌یابد. این یافته نشان می‌دهد که احساس بی‌قدرتی اجتماعی تاثیر کاهشی بر میزان مشارکت مدنی دارد. این یافته تاییدی است بر این نظریه هانتینگتون که معتقد است در جوامع سنتی که تحرک اجتماعی کم است احساس بی‌قدرتی اجتماعی منجر به کاهش سطح مشارکت مدنی در جامعه می‌شود. هم‌چنین این یافته تحقیق تاییدی است بر نتایج تجربی سفیری و همکاران (۱۳۸۸) که اینان هم تاثیر کاهشی احساس بی‌قدرتی را بر میزان مشارکت متذکر شده‌اند.

فرضیه دیگر تحقیق که طبق نظریات لیپست، لرنر و پاتنام طرح شده بود این بود که بین میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و میزان مشارکت مدنی در بین دانشجویان رابطه وجود دارد. نتایج تحقیق نشان داد که وجود چنین رابطه‌ای در این پژوهش معنادار نشده است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که این بخش از نظریات طرح شده در این تحقیق قابل کاربرد در جامعه آماری نمی‌باشد.

فرضیه دیگر رد شده در این تحقیق که طبق نظریات اینگلههارت، لیپست و هانتینگتون و اکثر پژوهش‌های تجربی پیشین طرح شده بود این بود که بین وضعیت پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانشجویان و میزان مشارکت مدنی رابطه وجود دارد. لذا با وجود عدم تایید چنین رابطه‌ای می‌توان نتیجه گرفت که این بخش از یافته تحقیق قابل کاربرد در جامعه آماری نمی‌باشد.

پیشنادهای کاربردی

با توجه به اهمیت مشارکت مدنی در جامعه باید در جستجوی راه‌هایی بود که موجبات افزایش آن فراهم آید. هدف این است که پیشنهادهای تحقیق با توجه به مطالعات نظری و یافته‌های تجربی تحقیق به دست آید؛ از این رو، با توجه به نتایج تحقیق می‌توان پیشنهادهای ذیل را بیان کرد:

با توجه به وجود سطح متوسط میزان مشارکت مدنی در جامعه و تاثیر مهم اعتماد اجتماعی بر مشارکت مدنی و با در نظر گرفتن این که مشارکت مدنی و اعتماد اجتماعی با هم رابطه دو سویه داشته لذا پیشنهاد می‌شود که:

در جامعه بسترهایی برای ایجاد و گسترش فعالیت‌های جمعی با کمک سازمان‌ها و نهادهای ملی، محلی و بومی فراهم شود. مشخصاً به گسترش برنامه‌ها و طرح‌های مشارکتی داوطلبانه در تمامی بخش‌های جامعه از ساختارهای خرد گرفته تا ساختارهای کلان (از محلات تا نهادهای رسمی) اهتمام ورزد. چرا که مشارکت در چنین برنامه‌ها و سازمان‌هایی همواره می‌تواند انسجام در ارزش‌ها، هنجارها و همکاری‌های متقابل را به دنبال داشته که این به نوبه خود می‌تواند منجر به ظهور و افزایش سطح اعتماد اجتماعی در جامعه شود.

برای تمامی نهادها به ویژه نهاد دانشگاه که قشر آن را جوانان تحصیل کرده و گردانندگان آینده جامعه تشکیل می‌دهند پیشنهاد می‌شود که دانشگاه کارکرد اعتمادسازی و اعتمادآفرینی را در خود ایجاد کند؛ علاوه بر این که خود بتواند نهادی قابل اعتماد باشد، در کارکرد خود رسالت ایجاد و گسترش فرهنگ اعتماد، همبستگی، عدم اختلاف، یکپارچگی و همکاری را داشته باشد که نهایتاً اهتمام به این موضوع همواره می‌تواند منجر به افزایش سطح اعتماد در جامعه شود.

هم‌چنین به مسئولین فرهنگی و اجتماعی جامعه پیشنهاد می‌شود که به گسترش سجایای اخلاقی مانند: جمع‌گرایی، امانت‌داری، قانون‌مداری، انصاف، خیرخواهی، صداقت، خویشتن‌داری و ریشه‌کنی معضلاتی نظیر اختلاف و چند دستگی، پارتی‌بازی، ظلم و تبعیض، بی‌بند و باری و بی‌کاری اهتمام ورزند تا بتوان میزان اعتماد اجتماعی را در راستای افزایش سطح مشارکت مدنی در جامعه بالا برد.

با توجه به این که یکی از نتایج تحقیق وجود رابطه بین متغیر مشارکت سیاسی و مشارکت مدنی است، ضروری است مسئولین امر تدابیر بیشتر و موثرتری برای افزایش میزان مشارکت سیاسی هم در بین جوانان به ویژه قشر دانشجو بیندیشند لذا پیشنهادهای در این مورد ارائه می‌شود:

- توجه به خواست و سلیقه سیاسی اقشار مختلف جامعه به ویژه قشر دانشجو
- افزایش رغبت و انگیزه مشارکت در انتخابات با تاکید بر نتیجه بخش بودن این مشارکت برای آینده جامعه
- ایجاد اعتماد و رضایت‌مندی نسبت به ساختار و مسئولان سیاسی
- کاهش محدودیت در ایجاد و فعالیت احزاب سیاسی در جامعه به ویژه دانشگاه

- گسترش حضور احزاب، تشکل‌ها و گروه‌های مستقل در انتخابات
 – گسترش اطلاعات و آگاهی سیاسی و ایجاد سهولت بحث آزادانه در مورد موضوعات و مسائل سیاسی.

منابع

- ادریسی، ا؛ و دیگری. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مرتبط موثر بر مشارکت اجتماعی ساکنین در تحقق طرح‌های توسعه شهری، (نمونه موردی پیاده راه سازی حوزه تاریخی شهر تهران منطقه ۱۲). **فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**. ۱۳، صص ۱۶۰-۱۱۶.
- اوجاقلو، س؛ و دیگری. (۱۳۸۴). بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان. **مجله جامعه‌شناسی ایران**. ۶ (۴)، صص ۹۲-۱۲۵.
- تیمورنژاد، ک؛ و دیگری. (۱۳۹۲). نقش مدیریت محله در جلب مشارکت اجتماعی. **فصلنامه مطالعات مدیریت شهری**. ۵ (۱۴)، صص ۱۵-۲۵.
- دهقان، ع، ر؛ و دیگری. (۱۳۸۴). تبیین مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران. **مجله جامعه‌شناسی ایران**. ۶ (۱)، صص ۶۷-۹۸.
- رضادوست، ک؛ و دیگری. (۱۳۸۷). بررسی عوامل موثر در مشارکت اجتماعی شهروندان جامعه شهری ایلام. **فرهنگ ایلام**. ۲۰ (۲۱)، صص ۲۲۶-۲۴۲.
- ساروخانی، ب؛ و دیگری. (۱۳۸۵). ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی. **پژوهش زنان**. ۴ (۳)، صص ۳۱-۶۰.
- سرور، ر؛ و همکاران. (۱۳۹۰). رابطه مشارکت محلی و توسعه روستایی در شهرستان میاندوآب، (مطالعه موردی بخش مرحمت آباد). **فصلنامه روستا و توسعه**. ۱۴ (۲)، صص ۱۱۷-۱۳۷.
- سروش، م؛ و دیگری. (۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی، هویت و مشارکت اجتماعی جوانان شیراز. **دو فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش جوانان فرهنگ و جامعه**. ۵، صص ۱۵۵-۱۲۳.
- سفیری، خ؛ و دیگری. (۱۳۹۰). فراتحلیل مطالعات مشارکت اجتماعی. **مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران**. ۳، صص ۱۲۲-۱۳۲.
- سفیری، خ؛ و دیگری. (۱۳۸۸). مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های شهر تهران و عوامل اجتماعی موثر بر آن. **جامعه‌شناسی کاربردی**. ۲۰ (۲)، صص ۱-۳۴.
- شیانی، م. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی کودکان. **فصلنامه رفاه اجتماعی**. ۷، صص ۱۵-۲۹.
- علی‌پور، پ؛ و همکاران. (۱۳۸۸). اعتماد و مشارکت، (بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران). **مجله جامعه‌شناسی ایران**. ۲، صص ۱۰۹-۱۳۵.
- عیوضی، م؛ و دیگری. (۱۳۹۰). مشارکت اجتماعی زنان: رویکرد اسلامی. **دو فصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی**. ۷ (۲)، صص ۱۶۶-۱۲۳.
- فاضلی، م؛ و دیگری. (۱۳۸۹). مشارکت سیاسی در استان گلستان. **مطالعات اجتماعی ایران**. ۴ (۳)، صص ۱-۱۲.
- قاسمی، و؛ و همکاران. (۱۳۸۵). سطح‌بندی سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان. **فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی**. ۶ (۲۳)، صص ۲۴۸-۲۲۵.
- نوروزی، ف؛ و دیگری. (۱۳۸۸). مشارکت اجتماعی و عوامل موثر بر آن. **فصلنامه راهبرد**. ۱۸ (۵۳)، صص ۲۶۹-۲۴۹.
- یزدان‌پناه، ل. (۱۳۸۷). تاثیر ویژگی‌های فردی و اجتماعی بر مشارکت اجتماعی زنان کرمانی. **مطالعات زنان**. ۶ (۲)، صص ۱۴۹-۱۲۷.
- Marschall, M. J. (2004). Citizen Participation and Neighborhood Context: A New Look at the Coproduction of Local Public Goods. **Political Research Quarterly**. Vol. 57, No. 2, P.p: 231-244.
- Price, B. (2002). Social Capital and Factors Effecting Civic Engagement as Reported by Leaders of Voluntary Associations. **The Social Science Journal**. Vol. 39.